

## گرجستان: از انقلاب رز تا جنگ با روسیه

حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی\*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد (تهران- مرکز)

(تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲ - تاریخ تصویب: ۸۷/۷/۲۵)

### چکیده

وقوع انقلاب‌های رنگی در برخی از کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان حادثه‌ای غیرمترقبه در هزاره سوم تلقی گردید. تحولات گرجستان در سال ۲۰۰۳ که به انقلاب منحرفه یا گل رز معروف شد، بدان جهت بود که تغییر دولت گرجستان توسط مخالفان را بدون خونریزی شامل شد و دگرگونی‌هایی را در عرصه اوراسیای مرکزی به وجود آورد. این مقاله به انتخابات ریاست جمهوری در گرجستان که در روز ۵ ژانویه سال ۲۰۰۸ برگزار شد، نتایج و تأثیرات آن با توجه به منافع روسیه و آمریکا می‌پردازد. در این انتخابات، میخائیل ساکاشویلی به یکباره و در حالی که با انتقادات شدید داخلی و بین‌المللی به دلیل سرکوب مخالفان سیاسی روبه‌رو بود، استعفا داد. بسیاری از تحلیلگران، انتخاب دوباره ساکاشویلی را قدمی در راه دمکراسی در گرجستان ارزیابی کردند، اگرچه گروهی دیگر از این وضعیت ابراز نگرانی کرده و آن را از نشانه‌های عدم ثبات سیاسی دانسته، بر این باورند که این روند بر رابطه گرجستان با ناتو تأثیر منفی خواهد داشت. همچنین مؤلف در تجزیه و تحلیل خود سعی خواهد کرد به بررسی علل و عوامل جنگ روسیه با گرجستان و توقف آن بپردازد.

### کلید واژه‌ها

انقلاب رز، انتخابات، گرجستان، انقلاب‌های رنگی، روسیه

\* Email: Habebe\_shirazi@yahoo.com

## مقدمه

سرزمین گرجستان با ۶۹/۵ هزار کیلومترمربع مساحت در مرکز و غرب منطقه قفقاز جنوبی قرار گرفته است. این کشور از شمال با روسیه، از شرق با جمهوری آذربایجان، از جنوب با ارمنستان، از جنوب شرق با ترکیه و از غرب با دریای سیاه هم‌مرز است (امیر احمدیان، ۱۳۷۵، ص ۳). این سرزمین در قرن چهارم میلادی دین مسیحیت را پذیرفت. شاخصه‌های فرهنگی قوم گرجی به‌ویژه الفبای خاص آن نیز قدمتی دیرینه دارد.

هرچند گرجستان با داشتن حدود ۴/۵ میلیون نفر جمعیت از نظر متغیرهای توسعه انسانی در بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شرایط مناسب‌تری دارد و در مواردی نظیر کنترل جمعیت و امید به زندگی خود را به استانداردهای کشورهای غربی نزدیک ساخته است، ولی از نظر اقتصاد ملی، کشوری ضعیف محسوب می‌شود. ۶۰ درصد جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. درآمد سرانه‌ی این کشور در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۹۰ دلار برآورد شده است (Eurasianet, July 4, 2008).

طبق برآورد سال ۲۰۰۳ این کشور ۱/۷۵ میلیارد دلار بدهی خارجی داشته و فساد گسترده اقتصادی از آسیب‌های اقتصاد گرجستان است که روندی رو به رشد دارد. گرجستان فاقد ذخایر استراتژیک نفت و گاز است و اقتصاد آن بر کشاورزی، گردشگری، معادن و صنایع مختلف استوار است. موقعیت جغرافیایی خاص این کشور و اتصال آن به دریای سیاه باعث شده که این کشور در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه حائز اهمیت باشد. در حال حاضر گرجستان به‌سبب قرار گرفتن بین آذربایجان و ترکیه نقش حلقه ارتباطی را در زمینه‌ی انتقال ذخایر عظیم نفت و گاز از منطقه‌ی دریای خزر به غرب به‌عهده دارد و تحقق پروژه عظیم خط لوله نفت «باکو- تفلیس- جیحان» و پروژه‌ی انتقال گاز «باکو- تفلیس- ارزروم» باعث شده این کشور از دید کشورهای آذربایجان، ترکیه و شرکت‌های نفتی بریتانیا و آمریکا در درجه اهمیت بالایی قرار گیرد (برونو، ۱۶۷، ص ۱۳۷۵).

افزون بر این، تولیدات انبوه پنبه از ازبکستان از طریق این کشور به غرب صادر می‌شود و حلقه‌ی ارتباطی بین کشور ارمنستان با جهان غرب نیز از طریق این کشور است. اهمیت گرجستان از منظر جغرافیای سیاسی و مزیت‌های راهبردی سرزمینی (ژئواستراتژی) نه تنها در مسائل اقتصادی بلکه در مسائل امنیتی نیز در خور توجه است و این کشور نوعی گلوگاه در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی محسوب می‌شود (لطفیان، ۲۰۶، ص ۱۳۸۴).

## انقلاب مخملی یا رز در گرجستان

نخستین انقلاب رنگی در منطقه قفقاز جنوبی و در کشور گرجستان رخ داد. در تاریخ ۳ آذرماه ۱۳۸۲ (۲۳ نوامبر ۲۰۰۳) «انقلاب مخملی یا گل رز» به رهبری میخائیل ساکاشویلی<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور کنونی به پیروزی رسید. آنچه که با عنوان «انقلاب گل رز» مشهور شد همان اقدام سمبولیک ساکاشویلی مبنی بر ورود وی و طرفدارانش به صحن علنی مجلس با در دست داشتن «شاخه گل رز» در حین سخنرانی رسمی ادوارد شواردنادزه رئیس‌جمهور وقت در نشست افتتاحیه به اصطلاح چهارمین مجلس گرجستان و درخواست بلند وی از شواردنادزه برای خروج از پارلمان و استعفای وی، همچنین فرار شواردنادزه و طرفدارانش از صحن مجلس و همچنین شیوه اعتراض مدنی وی پس از دو سال مخالفت و پس از چند ماه مبارزات شدید انتخاباتی و مخالفت‌های شدید وی از نتایج انتخابات مجلس بود که بر روی آنتن‌های تلویزیونی و رسانه‌های گروهی و مطبوعات داخلی و جهان رفت. همین واقعه منشأ تمام تحولات بعدی در گرجستان گردید و به‌عنوان واقعه‌ای مهم در تاریخ گرجستان و حتی جهان

۱. ساکاشویلی متولد ۱۹۶۸ و فارغ‌التحصیل حقوق از دانشگاه کلمبیا در مقطع فوق‌لیسانس و نیز دکترای حقوق از دانشگاه جرج واشنگتن می‌باشد. وی نگرشی اصلاح‌طلبانه و دمکرات مابانه مبتنی بر ویژگی‌های غربی و منطبق با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و آزادی‌های غربی دارد. این وکیل ۴۰ ساله از اندیشه‌های لیبرال پیروی می‌کند و طرفدار سرسخت اصلاحات در عرصه‌ی امور دولتی و اقتصاد گرجستان است. علی‌رغم این که او در محافل سیاسی به‌عنوان شخصیتی غربگرا معرفی می‌شود، تمایل به روسیه و کشورهای منطقه در اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های اخیر او نمود چشمگیری دارد. شخصیت و علاقمندی‌های این سیاستمدار جوان در کشورهای پیرامون گرجستان به‌ویژه آذربایجان و ارمنستان توجه اکثر تحلیلگران را به خود معطوف کرده است. در مطبوعات و محافل خبری جمهوری آذربایجان در کنار طرح ایده‌ی حمایت قاطع لابی آرامنه مقیم آمریکا از اعتراضات اخیر گرجستان از تبار ارمنی و گرایش ساکاشویلی به خواسته‌های آرامنه سخن می‌رود. ولی خود وی در مصاحبه با روزنامه‌ی "۵۲۵ نجی قزئت" چاپ باکو این سخنان را قویاً رد می‌کند و خود را یک گرجی اصیل معرفی می‌کند که نه تنها گرایش به خواسته‌های آرامنه ندارد بلکه ارتباط گسترده‌ای با آذربایجانی‌های مقیم گرجستان دارد. او این سخنان را شایعه‌ی طرفداران شواردنادزه برای کاهش محبوبیت وی در بین جامعه‌ی آذربایجانی‌های گرجستان می‌داند.

وی پس از استعفا از سمت وزارت دادگستری در سال ۲۰۰۱ با رهبری حزب وحدت ملی و ریاست شورای شهر تفلیس به فعالیت‌های سیاسی‌اش ادامه داده و در اعتراضات بعدی نقش اصلی را داشت. ساکاشویلی از طرف احزاب مخالف شواردنادزه به‌عنوان نامزد مشترک برای انتخابات ریاست‌جمهوری معرفی شد و در انتخابات ژانویه‌ی ۲۰۰۴ مقام ریاست‌جمهوری گرجستان را بر عهده گرفت. به‌رغم این که ساکاشویلی سعی دارد خود را شخصیتی لیبرال و دموکرات معرفی کند، ولی سرسختی و انعطاف‌ناپذیری او در مقابل مخالفین‌اش از ویژگی‌های بارز وی محسوب می‌شود.

ثبت و ضبط شد. لذا این پیروزی به انقلاب گل رز مشهور گردید. از انقلاب گل رز به عناوین و تعابیر مختلفی نظیر «انقلاب سفید»، «انقلاب مخملی» و «انقلاب آرام و صلح‌جویانه یا مسالمت‌آمیز» نیز نام برده‌اند.<sup>۱</sup>

به دنبال استعفای اجباری ادوارد شواردناده در تاریخ سوم آذر ۲۴/۱۳۸۳ نوامبر ۲۰۰۳ و اعلام پیروزی مخالفین، خانم نینو بورجانادزه رئیس مجلس سابق به‌طور خودکار به‌عنوان کفیل رئیس جمهوری منصوب گردید. وی طی فرمانی نتیجه انتخابات مجلس چهارم را لغو و باطل و هم‌زمان مجلس سابق را تا زمان برگزاری انتخابات بعدی مجلس ابقاء کرد. در پی باطل شدن انتخابات مجلس چهارم، مجلس سوم (سابق) با سخنان نینو بورجانادزه کفیل رئیس جمهوری افتتاح و مجلس موقت مجدداً در همان نشست اول، روز ۱۴ دیماه ۴/۱۳۸۲ ژانویه ۲۰۰۴ را برای برگزاری انتخابات قبل از موعد ریاست جمهوری تصویب و تعیین نمود. کفیل رئیس جمهوری ۴۵ روز زمام موقت امور را در دست داشت. مهم‌ترین وظیفه وی کنترل اوضاع و انتقال قانونی قدرت در دوره انتقالی با تعیین و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود که این وظیفه خطیر را به خوبی انجام داد. گرجستان تاکنون چندین انتخابات مهم را پس از «انقلاب گل رز» برگزار کرده که به تحلیل آنها می‌پردازیم:

#### الف- نخستین انتخابات ریاست جمهوری

زاممداران جدید با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۴ ژانویه ۲۰۰۴ رسماً و قانوناً بر مسند قدرت نشسته (Encyclopedia Britannica, 2008) و زمام امور را به‌دست گرفتند. چهارمین انتخابات ریاست جمهوری گرجستان و به‌عبارتی اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از عصر شواردناده در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۸۴ در سراسر گرجستان به استثنای جمهوری‌های خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی برگزار گردید و میخائیل ساکاشویلی به‌عنوان چهارمین رئیس جمهور و جوان‌ترین رئیس جمهور سوگند یاد کرد.

میخائیل ساکاشویلی با کسب بیش از ۱۸۹۰۲۵۶ رأی از کل ۱۹۶۳۵۵۶ آراء مأخوذه و به‌عبارتی با کسب ۹۶/۲۵ درصد آراء در این انتخابات به پیروزی قاطع رسید و از شش رقیب نه چندان جدید خود پیشی گرفت. سایر کاندیداهای ریاست جمهوری با کسب آراء بسیار ناچیز و کمتر از ۱ درصد آراء بخش ناچیزی از آراء مردم را به خود اختصاص دادند. برگزاری موفق این انتخابات و پیروزی میخائیل ساکاشویلی در این انتخابات دومین پیروزی مهم دولت جدید بود (Lincoln, 2004, p.15).

#### 1. Bloodless, Rose, Flower or Velvet Revolution

### ب- احزاب سیاسی و انتخابات مجلس

تکرار ششمین و به عبارتی هفتمین انتخابات مجلس گرجستان و اولین انتخابات مجلس دولت جدید میخائیل ساکاشویلی نیز در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۸۳ برابر با ۲۸ مارس ۲۰۰۴ در سراسر گرجستان برگزار گردید. در این انتخابات براساس اعلام کمیسیون مرکزی انتخابات ۲۴۰۰ نامزد انتخاباتی برای کسب ۲۳۵ کرسی به رقابت پرداختند. البته این تعداد فقط برای سیستم حزبی نامزد شده بودند. به عبارت دیگر بالغ بر ۲۱ بلوک و حزب سیاسی برای کسب ۱۵۰ کرسی با هم به رقابت پرداختند و ۷۳ کرسی دیگر از طریق رقابت نامزدهای مستقل و انفرادی تعیین شد که ترکیب ۷۳ نماینده مستقل در انتخابات دوم نوامبر ۲۰۰۳ مشخص گردیده بود (Year Book, 2008, p.169). ۱۲ کرسی هم به نمایندگان آبخازیا اختصاص داشت.

براساس نتایج رسمی اعلام شده از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات جنبش ملی-دمکرات‌ها با کسب ۶۶/۲۴ درصد و بلوک راست‌گرایان جدید-صنعت‌گرایان با کسب ۷/۶۵ درصد آراء تنها بلوک و احزابی بودند که با عبور از مانع ۷ درصدی توانستند به مجلس راه یابند. سایر احزاب به دلیل عدم عبور از مانع ۷ درصدی موفق به ورود به مجلس نشدند. احزاب جنبش ملی دمکرات‌ها و بلوک راست‌گرایان جدید-صنعت‌گرایان در این انتخابات و در سیستم حزبی از مجموع ۱۵۰ کرسی به ترتیب ۱۳۵ و ۱۵ کرسی مجلس را به خود اختصاص دادند. جنبش ملی-دمکرات‌ها (حزب حاکم) با کسب ۱۸ کرسی دیگر در سیستم انفرادی و مستقل جمعاً ۱۵۳ کرسی از ۲۳۵ کرسی را از آن خود کرد. با این احتساب اکثریت مطلق آراء را به خود اختصاص داد. بلوک مخالف راست‌گرایان جدید-صنعت‌گرایان هم علاوه بر ۱۵ کرسی براساس سیستم حزبی، ۳ کرسی دیگر نیز از طریق سیستم انفرادی کسب کرد که جمعاً ۱۸ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد که در مجموع فراکسیون قابل توجهی را تشکیل می‌داد.

بر اساس ترکیب کرسی‌های سایر احزاب و بلوک‌ها در سیستم انفرادی ۳۰ نماینده برای گرجستان جدید (بلوک وابسته به شواردنادزه و به عبارتی دولت سابق)، ۶ نماینده از حزب آغوردزینبا یا اتحادیه احیاگران (آباشیدزه)، ۲ نماینده از حزب کارگر یا کار و ۲۴ نماینده هم به‌طور مستقل به مجلس راه یافتند که با احتساب اینها ترکیب ۷۳ کرسی سیستم انفرادی و مستقل نیز تکمیل و مشخص گردید. ۱۲ کرسی دیگر هم به نمایندگان آبخازیا تعلق داشت، ولی بعدها لغو شد. به هر حال ۵ ماه پس از پیروزی انقلاب رز اولین مجلس دولت انقلابی ساکاشویلی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۳ توسط میخائیل ساکاشویلی رئیس‌جمهور افتتاح و وی هم

مجلس جدید را «مجلس اصلاحات» نامید. برگزاری بدون خدشه و موفق این انتخابات و پیروزی قاطع حزب حاکم از دیگر موفقیت‌های دولت کنونی بود (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶، صص ۲۰-۳).

### ج- انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸

اوضاع بی‌ثباتی سیاسی در گرجستان از نوامبر ۲۰۰۷ وخیم شد. این افول در نتیجه تظاهرات حزب اپوزیسیون- مجمع ملی در تفلیس، پایتخت گرجستان، برای برگزاری زود هنگام انتخابات در اوایل سال ۲۰۰۸ به جای اواخر ۲۰۰۸ رخ داد. این تظاهرات با اتهامات تندی که وزیر دفاع سابق گرجستان، ایراکلی اوکروشویلی، به ساکاشویلی وارد کرد رنگ و بویی دیگر به خود گرفت (یکی از این اتهامات این بود که ساکاشویلی به وی دستور قتل داده بوده است). اصرار بر استعفای ساکاشویلی هنگامی شدت پیدا کرد که اوکروشویلی ادعا کرد که برای تکذیب حرف‌هایش تحت فشار قرار گرفته است. در روز ۷ نوامبر پلیس و مأموران امنیتی به زور تظاهرکنندگان را متفرق کردند.

بنابر برخی گزارش‌ها هزاران نفر در این درگیری‌ها مجروح شدند. همچنین نیروهای امنیتی به مقر ایستگاه تلویزیون امید که شکایات مخالفان را پخش می‌کرد، حمله کردند و آن را تعطیل کردند. ساکاشویلی به مدت ۱۵ روز وضعیت را اضطراری اعلام کرد که خود باعث افزایش اختیارات او می‌شد. وی مدعی شد که این تظاهرات بخشی از برنامه کودتایی بوده که توسط روسیه رهبری می‌شد و ۳ دیپلمات روس را نیز از کشور اخراج کرد.

احتمال می‌رود که انتقادات آمریکا و جامعه بین‌المللی از این سرکوب‌ها، بر تصمیم ساکاشویلی برای کناره‌گیری از قدرت در روز ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷، تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این کناره‌گیری از آن جهت بود که انتخابات زود هنگام در روز ۵ ژانویه ۲۰۰۸ برگزار شود. ساکاشویلی در این باره گفته است:

«من به‌عنوان رهبر این کشور احتیاج به حکمی صریح دارم تا با همه تهدیدات خارجی و فشارهای مختلفی که بر گرجستان تحمیل می‌شود، مقابله کنم». در همین هنگام وی اعلام یک همه‌پرسی کرد تا مشخص شود که در بهار یا پاییز انتخاباتی برای تصمیم‌گیری در جهت عضویت گرجستان در ناتو برگزار شود. بدین ترتیب رئیس پارلمان، نینو بوجانادزه نیز رئیس‌جمهور موقت شد.

در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۰۸ تغییرات به‌سزایی در قانون انتخابات اعمال شد که از آن جمله می‌توان به اضافه شدن نام نماینده احزاب مخالفان به لیست کمیسیون‌های انتخاباتی

اشاره کرد. با این وجود بنابر گزارش‌های سازمان امنیت و همکاری اروپا که ناظر این انتخابات بود، بعضی اوقات اعمال قوانین جدید کمی پیش از برگزاری انتخابات به اجرای تصادفی آنها منجر می‌شود. اکثر شاهدان این انتخابات معتقدند که نحوه انتخاب نامزدهای ریاست جمهوری شفاف بوده است. غیر از ساکاشویلی، شش نامزد دیگر نیز موفقیت‌آمیز در انتخابات ثبت نام کردند. در جریان تبلیغات انتخاباتی، ساکاشویلی قول داد تا فساد و جرایم را کاهش داده و به بهبود وضعیت زندگی کمک کند. وی همچنین متعهد شد که فقر را در گرجستان کاهش داده و به روند صلح‌آمیز پیشرفت موقعیت منطقه‌ای گرجستان کمک کند.

نامزد دیگر، لوان گاچچیلادزه اعلام کرد که وی برای ایجاد سیستم پارلمانی با حکومت مشروطه سلطنتی تلاش خواهد کرد و سالومه زورابی چویلی، وزیر خارجه سابق را به‌عنوان نخست وزیر معرفی کرد. داویت گمبکرلیدزه اعلام کرد که وی برای ایجاد سیستم پارلمانی یا سلطنت مشروطه تلاش می‌کند، در حالی که به آزادی بیان، حقوق مالکیت خصوصی و سیستم قضایی مستقل نیز خواهد پرداخت. شالوا ناتشلاویلی متعهد شد که خدمات اجتماعی را افزایش خواهد داد و بر ایجاد سیستم پارلمانی تأکید کرد. گیورگی مایساشویلی، فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد نیز به ایجاد شغل تأکید کرد.

هر شش نامزد انتخاباتی به‌جز ایریناساریشویلی-چانتوریا و بدری پاتارکاتسیشویلی از عضویت گرجستان در ناتو حمایت کردند. ساریشویلی-چانتوریا از رأی‌دهندگان خواست یا به وی یا نامزدهای مورد تأیید وی رأی دهند. پاتارکاتسیشویلی خواستار از بین رفتن ریاست جمهوری و ایجاد یک کنفدراسیون با دولت مرکزی شد و همچنین از ایجاد روابط نزدیک با روسیه حمایت کرد. وی وعده داد که از دارایی شخصی خود برای ایجاد منافع برای افراد بدون شغل استفاده کند و برخی خدمات رایگان برای فقرا در نظر بگیرد.

کمسیون مرکزی نتیجه این انتخابات را چنین گزارش داد که با شمارش آرای ۲/۵۶ درصد از ۳/۳۵ میلیون رأی‌دهنده‌ای که ثبت نام کرده بودند، ساکاشویلی تعداد کافی رأی (بیش از ۵۰ درصد آرا) را به‌دست آورده است. با این میزان رأی، وی قادر بود تا از رسیدن انتخابات به مرحله دوم جلوگیری کند. همچنین در همه پرسی ۷۷ درصد رأی‌دهندگان با پیوستن گرجستان به پیمان ناتو موافقت کرده بودند و ۸۰ درصد نیز از برگزاری زودهنگام انتخابات پارلمان در بهار ۲۰۰۸ حمایت کرده بودند. عملکرد ساکاشویلی در انتخابات مرهون اقتصاد رو به رشد کشور و افزایش خدمات اجتماعی ارائه شده توسط دولت بود. ناظران این انتخابات معتقدند که وعده‌های وی برای از بین بردن فقر در گرجستان نیز از دلایل موفقیت وی در انتخابات بود.

انشعاب‌های رخ داده در احزاب مخالف که نمی‌توانستند بر سر یک کاندیدا به توافق برسند، نیز از دلایل موفقیت وی به‌شمار آمده است. گزارش اولیه سازمان امنیت و همکاری اروپا، مجمع پارلمانی شورای اروپا و پارلمان اتحادیه اروپا، این انتخابات را «از لحاظ ماهیت نامتناقض» با «تعهدات و استانداردهای حداکثری برای انتخابات دمکراتیک» ارزیابی کرد. اگر چه افزود «چالش‌های مهمی هم در این جریان بر ملا شده است». در این گزارش به نکات مثبتی از این انتخابات اشاره شده که نشان می‌دهد این انتخابات فضای رقابتی برای کاندیداهای مختلف ایجاد کرده است.

اگرچه نکات منفی آن نیز بیان شده که از آن جمله می‌توان به تخلف‌های انتخاباتی نیز اشاره کرد. این تخلف‌ها شامل استفاده از سازمان‌های دولتی برای تبلیغات ساکاشویلی، به‌کارگیری شواهدی توسط مسئولان برای حمله به کاندیداهای احزاب مخالف، اجبار کارکنان دولت به رأی دادن به ساکاشویلی، استفاده از خدمات اجتماعی برای جمع‌آوری حامی برای ساکاشویلی و گرایش کمیسیون مرکزی انتخابات به ساکاشویلی بوده است.

با اینکه هیچ ناظری از روسیه برای این انتخابات دعوت نشده بود، اما وزارت امور خارجه روسیه روز ۶ ژانویه طی بیانیه‌ای اعلام کرد که امکان ندارد این انتخابات عادلانه و آزاد برگزار شده باشد. این بیانیه به استفاده‌ی گسترده از امکانات دولتی برای تبلیغات انتخاباتی، فشار آشکار بر نامزدهای مخالف و محدودیت‌هایی که برای دسترسی به منابع مالی و رسانه‌ای برای مخالفان وجود داشت، اشاره می‌کند (آفتاب، ۱۳۸۷/۳/۱). حاکمیت گرجستان هرچند به دلیل اشتراک دیدگاه و مواضع بین سه قوه از اقتدار زیادی برای پیشرفت اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های خود برخوردار است، ولی به دلیل همین حاکمیت یکدست و یکپارچه در عرصه سیاست خارجی و امور داخلی با چالش‌ها و تهدیدهایی مواجه گردید که برخی از آنها عبارت بودند از:

۱. تضاد منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در عرصه سیاسی گرجستان، به‌ویژه کشورهای آمریکا و روسیه که در صورت گرایش افراطی به یکی از این دو کشور، مداخله کشور رقیب به منظور ساقط کردن حکومت گرجستان شروع خواهد شد و دولت جدید را با مخاطرات جدید روبه رو خواهد ساخت (مجتهدزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).
۲. طرفداران باقیمانده‌ی شواردناده هم در بین مردم عادی و هم در بین سیاستمداران به چشم می‌خورند. با گذشت زمان فعالیت این افراد بیشتر نمود پیدا می‌کند. تظاهرات گروه‌های زیادی از دانشجویان در تفلیس در تاریخ ۲۸ نوامبر که خواستار انحلال جنبش دانشجویی



- بودند و تقاضایشان از سوی دولت پذیرفته نشد، از جمله این نارضایتی‌ها است.
۳. ساختار ناکارآمد اقتصاد ملی گرجستان و افزایش روزافزون فقر و بحرانی شدن وضعیت معیشتی مردم که از عواملی مثل پایین بودن درآمد ملی و فساد اداری و مالی در دستگاه‌های دولتی تأثیر می‌پذیرد.
۴. مسئله اقلیت‌های قومی و جمهوری‌های خودمختار آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجاریا که در زمان حاکمیت شورادنازه مشکلی با حکومت مرکزی نداشتند و به نوعی با دولت شورادنازه کنار آمده بودند. با تغییر حاکمیت، این جمهوری‌ها از آینده نگران هستند و با برنامه‌های حاکمیت جدید موافق نیستند. اقلیت‌های قومی آذربایجانی و ارمنی نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در ثبات سیاسی گرجستان محسوب می‌شوند. این اقلیت‌ها از سوی دولت‌های آذربایجان و ارمنستان حمایت می‌شوند و بازتاب رفتار سیاسی دولت‌ها با آنها در عرصه‌ی روابط منطقه‌ای آشکار خواهد شد (حافظی، ۱۳۸۴، ص ۳۷).

### جنگ روسیه با گرجستان

روابط روسیه و گرجستان در نیمه دوم سال ۱۹۹۹ به دلیل درگیری‌ها و مناقشات روسیه و چین رو به وخامت نهاد. از یک سو گرجستان، روسیه را متهم به تجاوز به حریم هوایی کشور، بمباران روستاهای گرجستان و کشتن و زخمی کردن روستاییان می‌کرد. از سوی دیگر روسیه گرجستان را متهم به قاچاق کالا (از جمله اسلحه) به چین، بستن مرزهای کشور به روی پناهندگان چینی و یا پناه دادن به افراد قدرتمند و سالم می‌کرد. سرانجام در نشست سازمان همکاری و امنیت اروپا که در نوامبر ۱۹۹۹ در استانبول برگزار شد، روسیه با کاهش چشمگیر سلاح‌های سنگین در گرجستان و انهدام پایگاه‌های نظامی روسیه در حوالی تفلیس و آبخازیا موافقت کرد (Rondeli, 2000, p.32).

درگیری‌های مجدد بین نیروهای روسی و گرجی از آنجا آغاز شد که نیروهای نظامی گرجی وارد منطقه جدایی طلب اوستیای جنوبی شده و قصد تصرف و اتصال این بخش را به کشور گرجستان داشتند. به دلیل درگیری با نیروهای روسی و ممانعت مردم اوستیای جنوبی، این درگیری‌ها منجر به کشته شدن مردم و نیروهای حافظ صلح شد. آنچه در شب هفتم اوت ۲۰۰۸ رخ داد، واقعاً غیرقابل درک بود. ارتش گرجستان با چند راکت‌انداز به تسخینوالی، مرکز اوستیای جنوبی، حمله کرد. نیروهای نظامی گرجستان توسط نظامیان حرفه‌ای آمریکایی

آموزش دیده و تجهیزات نظامی پیچیده‌ای داشتند که از کشورهای مختلفی وارد شده بود. به دنبال ادامه درگیری‌ها، روسیه نیز وارد عمل شده و اقدام به بمباران این منطقه و درگیری نظامی با نیروهای گرجی کرد.

مدودف در نشست اضطراری شورای امنیت فدراسیون روسیه در کرملین گفت: "به عنوان رئیس‌جمهور متعهد به دفاع از جان و ارزش‌های اتباع خود هستم، هر کجا که باشند. روسیه همواره ضامن امنیت مردم قفقاز بوده و خواهد بود. گرجستان به مردم بیگناه و پاسداران صلح روسیه در اوستیای جنوبی حمله کرده است". مدودف افزود که اقدامات گرجستان نقض فاحش حقوق بین‌الملل و اعتبارنامه‌هایی است که جامعه جهانی برای روسیه صادر کرده است. با توجه به هشدار پوتین و مدودف درباره اوستیای جنوبی به گرجستان، حمله وسیع روسیه شکل گرفت. این حمله در حالی صورت گرفت که آمریکا، حامی اصلی گرجستان با اعلام سقوط مرکز اوستیای جنوبی چندین جلسه را در شورای امنیت برای جلوگیری از ادامه حملات روسیه برگزار کرد.

شرایط دو منطقه جدایی طلب «اوستیای جنوبی»، واقع در شمال گرجستان و «آبخازی»، واقع در شمال غربی این کشور، تقابل مستقیم مسکو با تفلیس را رقم زد تا روسیه اولین مشت آهنین خود را به غرب نشان دهد. «شورای روابط خارجی آمریکا» در گزارشی با اشاره به عوامل بروز درگیری بین نیروهای گرجستان با روسیه نوشت: "اولین دلیل این پدیده را می‌توان در اقدام آمریکا و متحدان اروپاییش در به رسمیت شناختن استقلال «کوزوو» از صربستان جستجو کرد".

در همین حال نیویورک تایمز هم تأکید کرد که پوتین پاسخ خود را به استقلال کوزوو با حمله به هم‌پیمان آمریکا در قفقاز ارائه کرد. همچنین شورای روابط خارجی آمریکا در گزارش خود اشاره کرده که پوتین نیز در واکنش به رسمیت شناختن کوزوو تصمیم گرفت تا استقلال اوستیا و آبخازیا را به رسمیت بشناسد. شاید بتوان دومین عامل تصمیم مسکو به حمله نظامی علیه گرجستان را تصمیم سران ناتو در نشست «بخارست» در آوریل ۲۰۰۸ عنوان کرد. کارشناسان روسی معتقدند که مسکو به دنبال کم‌رنگ‌تر کردن نفوذ آمریکا در منطقه بوده و درصدد است گسترش ناتو در شوروی را متوقف کند.

هدف اصلی روسیه نه آغاز جنگ سرد جدید و نه اقدامی با هدف تهدید بالقوه و بالفعل منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب بوده، بلکه هدف مهم آن، تفهیم این مهم به آمریکایی‌ها بود که از این به بعد برای نقش روسیه به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای حساب ویژه‌ای باز و به منافع و مصالح این کشور در حوزه‌های جغرافیایی و مناطق پیرامونی‌اش توجه نمایند. در

همین ارتباط نزدیک شدن ناتو به مرزهای روسیه یکی از مصادیق تهدید کننده همین منافع و مصالح به شمار می‌رفت.

به نظر می‌رسد سخن گفتن از آغاز جنگ سرد بین آمریکا و روسیه در مراحل اولیه مناقشه قفقاز، نوعی شتابزدگی در ارزیابی‌ها و تحلیل‌های ارائه شده باشد. سرد شدن روابط روسیه و غرب الزاماً به معنای شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی جدید در جهان نیست. شاید بتوان گفت که روابط روسیه و غرب و یا روسیه و آمریکا در حال حاضر دچار یک انجماد سیاسی شد و نظریه آغاز جنگ سرد بیش از آنکه یک واقعیت باشد فرضیه‌ای است که باید در مراحل آتی بحران مورد آزمون دقیق‌تر قرار گیرد.

دبیر شورای امنیت ملی گرجستان اعلام کرده که کشورش رسماً علیه روسیه به اتهام پاکسازی قومی در مناطق درگیری به دادگاه لاهه شکایت کرده است. این در حالی است که رئیس‌جمهوری گرجستان با توافق‌نامه شش ماده‌ای امضا شده بین رؤسای جمهوری فرانسه و روسیه در خصوص شرایط آتش‌بس در منطقه اوستیای جنوبی موافقت کرد. میخائیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهوری گرجستان شرایط آتش‌بس در منطقه مورد مناقشه اوستیای جنوبی در توافق‌نامه امضا شده بین نیکولا سارکوزی و دیمیتری مدودف، رؤسای جمهوری فرانسه و روسیه را پذیرفت. مفاد توافق‌نامه تفلیس - مسکو به شرح ذیل بود:

۱. گفتگوهای بین‌المللی باید براساس وضع دو استان جدایی طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان صورت گیرد،
۲. طرف‌های درگیر باید توسل به زور را محکوم کنند،
۳. باید اقدامات نظامی متوقف شود،
۴. باید دسترسی به کمک‌های بشردوستانه بدون هیچ مانعی صورت گیرد،
۵. نیروهای گرجی باید به مواضع همیشگی خود بازگردند،
۶. نیروهای روسی باید به مواضع خود پیش از درگیری‌ها بازگردند (سیاست روز، ۱۳۸۷، ص ۶).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ارزیابی انقلاب مخملی یا گل رز، دو دیدگاه عمده و متفاوت در خصوص دستاوردها و ناکامی‌های دولت گرجستان در جامعه و به‌ویژه در محافل سیاسی و غیرسیاسی به چشم می‌خورد. دیدگاه اول، نگاه و رویکرد موافقین دولت می‌باشد. این دیدگاه معتقد است که دولت ساکاشویلی دستاوردهای بسیاری را برای گرجستان و مردم خود به ارمغان آورده است. دولت جدید هم در بعد داخلی و هم در سیاست خارجی موفقیت‌های بسیاری داشته است.

مهم‌ترین دستاورد آن گشودن مسیر صحیح برای حرکت به جلو و پیشرفت بهتر برای کشور و مردم، ارتقاء جایگاه و عزت کشور در سطح بین‌المللی و توجه ویژه به بحران‌ها و مناقشات داخلی و به‌عبارتی حساسیت ویژه به استقلال و تمامیت ارضی کشور و به‌عنوان اولین قدم کنترل بحران ۱۳ ساله آجاریا بوده است. براساس چنین دیدگاهی، انقلاب گل رز مهم‌ترین تحول و رویداد در تاریخ گرجستان بوده و برکناری مسالمت‌آمیز رژیم شوراندازه از بزرگترین دستاوردهای مهم آن است.

دیدگاه دوم، دیدگاه مخالفان دولت می‌باشد. براساس این دیدگاه، ساکاشویلی و طرفدارانش با کودتا رژیم شوراندازه را برکنار کردند. اگر هدف شوراندازه جلوگیری از جنگ داخلی و خونریزی در کشور نبود، وی هم توان مقابله با استفاده از زور را داشت، ولی برای حفظ تمامیت و استقلال کشور وی استعفا داد. طرفداران سابق شوراندازه و اکنون رهبران حزب کار از جمله طرفداران این نظریه هستند. البته حزب کار در آن زمان خود از احزاب مخالف دولت بود و اکنون هم از احزاب عمده مخالف دولت جدید است. این دیدگاه همچنین معتقد است که دولت کنونی با اقدامات عجولانه خود به سمت دیکتاتوری و پایمال کردن حقوق مردم در حرکت است و آینده کشور را بسیار مبهم ارزیابی می‌کنند. آنها معتقدند دولت در زمینه رعایت حقوق بشر و برقراری دموکراسی و همچنین حاکمیت قانون و بهبود وضع اقتصادی مردم توانسته موفقیتی به دست آورد.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که پیروزی ساکاشویلی در انتخابات ژانویه ۲۰۰۸ با ۵۳ درصد آرا با پیروزی ۹۶ درصدی وی در سال ۲۰۰۴ به شدت در تناقض است و نشان‌دهنده کاهش میزان اعتماد عمومی به حکومت وی است. ریسک بی‌نظمی با کاهش بیشتر اعتماد عمومی در نتیجه چشم‌انداز انتخابات ماه مه ۲۰۰۸ می‌توانست به شدت افزایش یابد. از سوی دیگر، پیروزی ساکاشویلی ضربه دیگری به روسیه بود که سعی در احیای نفوذ خود در گرجستان داشته است. همچنین برخی ابراز نگرانی کرده بودند که وعده‌های انتخاباتی ساکاشویلی برای تسریع متحد کردن گرجستان (اگرچه وی قول روند صلح‌آمیز در این رابطه را داده) به افزایش تنش‌ها با روسیه منجر شود. در سخنرانی تنفیذ ریاست جمهوری، ساکاشویلی تلاش کرد به روسیه بگوید که گرجستان در صدد بازسازی روابط دو جانبه است. در جنگ روسیه با گرجستان، میخائیل ساکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان انتظار حمایت بی‌قید و شرط غرب را داشت. البته غرب در ایجاد این توهم کاملاً مقصر بود. دیمیتری مدودف در اولین چالش بزرگ دوران ریاست جمهوری‌اش پس از حمله برق‌آسای نیروهای گرجی و سقوط شهر تسخینوالی مرکز ایالت اوستیای جنوبی لحظه‌ای درنگ نکرد و با هجومی

گسترده و سنگین که تصور می‌رود با هماهنگی با ولادیمیر پوتین که در آن زمان در پکن بسر می‌برد صورت گرفته باشد، نیروهای گرجی را در موضع تدافعی کامل قرار داد. با شکست عملیات نظامی گرجستان، هم سران تفلیس و هم هواداران آنها مجبور شدند در مواضع خود بازنگری کنند. هنگامی که برای اولین بار اوضاع اوستیای جنوبی و آبخازیا به هم ریخت، تصور می‌شد مشکل از طریق تشکیل یک فدراسیون که خودمختاری گسترده این دو جمهوری را تضمین کند، قابل حل است. گرجی‌ها این ایده را نپذیرفتند دستیابی به یک توافق اینک به مراتب دشوارتر شده است.

در اروپا و نقاط دیگر دهه‌ها طول کشید تا تنش‌های مشابه به پایان رسد و هنوز هم مشکلات به‌طور کامل حل نشده است. ملت‌های کوچک قفقاز پیش‌تر کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند. این ثابت می‌کند که دستیابی به صلحی پایدار امکان‌پذیر است. در طول بحران، چندین کشور غربی موضعی نامتعادل را در شورای امنیت سازمان ملل اتخاذ کردند. شاید به‌همین خاطر بود که شورای امنیت نتوانست در حل بحران کارساز باشد. وقتی آمریکا، منطقه قفقاز را که هزاران کیلومتر از قاره آمریکا دور است، جزئی از منافع ملی خود قلمداد می‌کند، اشتباهی بزرگ مرتکب می‌شود. روسیه با جمهوری‌های قفقاز، جغرافیای مشترک و سده‌ها تاریخ دارد و منافع ملی خود را در منطقه جستجو می‌کند. بدون شک صلح در قفقاز به نفع همه است و بدون همکاری تمامی کشورهای منطقه امکان‌پذیر نیست. کشورهای خارج از منطقه می‌توانند به این روند کمک کنند، البته تنها در صورتی که موضعی عادلانه و واقع‌گرایانه اتخاذ کنند.

## منابع

### الف - فارسی

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (زمستان ۱۳۸۶)، "کالبد شکافی انقلاب‌های رنگین"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۱.
۲. امیر احمدیان، بهرام (۱۳۷۵)، جغرافیای گرجستان، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۳. حافظی، حمید رضا (۱۳۸۴)، "نگاهی به رویدادهای گرجستان و پیامدهای آن"، گزیده تحولات جهان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۴. روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۷/۵/۲۴.
۵. "ساکاشویلی در اندیشه تسخیر مجلس گرجستان" (۱۳۸۷/۳/۱)، روزنامه آفتاب.

۶. کوپیترز، برونو (پاییز ۱۳۷۵)، "جایگاه گرجستان در اروپا: تفکر پیرامونی در روابط بین‌المللی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، شماره ۵.
۷. لطفیان، سعیده (۱۳۸۴)، "پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی حوادث گرجستان"، گزیده تحولات جهان، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۸. مجتهدزاده، بیروز (۱۳۸۴)، "پیامدهای جهانی تحولات گرجستان"، گزیده تحولات جهان، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

ب- انگلیسی

1. "Georgia" (2008), **Year Book**, London & New York: Routledge.
2. "Georgia" (July 4, 2008), **Eurasinet**, at: <http://www.eurasinet.org/resource/georgia/inde>
3. Lincoln, Micheal (October 2004), "Georgia: Rose Revolution", **Current History**.
4. "Mikhail Saakashvili" (2008), **Encyclopedia Britannica**, at: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/1013210/Mikhail-Saakashvili>.
5. Rondeli, Alexander (2000), **Conflict in the Caucasus**, New York: Routledge.